

مبادلات مرزی، شبکه‌های محلی و تحول فضایی سکونتگاه‌های انسانی مورد: بخش مرکزی شهرستان بانه (کردستان)

عباس سعیدی^۱ و لائین رضانی^۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۶/۱۰، تاریخ تایید: ۱۳۹۳/۷/۱۵

چکیده

با توجه به اینکه مرزها اغلب به‌عنوان مانعی برای حرکت آزادانه انسان و کالاها به‌شمار می‌روند، بایست آنها را در عمل از یک‌سو، در بُعد قلمرو (سرزمینی) و ملاحظات توسعه و امنیت ملی و از دیگر سو، در بُعد اجتماعی - اقتصادی و بین عرصه‌های فعالیت‌های رسمی و غیررسمی در عرصه‌های مختلف سکونتگاهی مورد فهم و سنجش قرار داد. از سوی دیگر، مرزها در برخی موارد، به‌ویژه توسط ساکنان شهرها و روستاهای این‌گونه نواحی، به سادگی نادیده انگاشته می‌شوند؛ علت این امر - در اغلب موارد - به تعارض موجود میان تعلق ملی به سرزمین اصلی و همسانی فرهنگی - مذهبی با ساکنان آن سوی مرز بازمی‌گردد؛ یعنی، تعارض بین احترام به قوانین جاری در کشور خودی و تعلق خاطر به "دیگران" در آن سوی مرز. مبادلات مرزی از جنبه‌های اصلی برقراری ارتباط و امرار معاش مرزنشینان در کشورهای همسایه به‌شمار می‌رود. این گونه مبادلات در کشورهایی همچون ایران، بلحاظ تاریخی، پیوسته در گذر زمان به انحاء مختلف وجود داشته است، هرچند در دهه‌های اخیر ابعاد تازه‌ای یافته است. در واقع، نبود زیرساخت‌های تولیدی و زیربنایی، فقدان اشتغال و بیکاری، نازل بودن درآمد و سرمایه و... در پاره‌ای نواحی مرزی، منجر به گرایش قابل‌توجه مرزنشینان بدین‌گونه فعالیت‌ها شده است. بدین‌سان، مبادلات مرزی در سالهای اخیر به شکل‌گیری جریانهای تازه‌ای منجر شده، شبکه‌هایی در سطح محلی برپا نموده است. هرچند این شبکه‌ها به‌طور غیررسمی موجب پیوندهای درونی و بیرونی بین‌سکونتگاهی شده، اما به سبب خودجوش بودن و تحول خودبخودی این پیوندها، پیوسته در معرض نوعی "شکندگی" قرار دارند. ساماندهی مبادلات مرزی در قالب‌های رسمی و پشتیبانی از مرزنشینان فعال در این عرصه، می‌تواند

۱. عضو هیئت علمی گروه جغرافیای انسانی و عضو قطب توسعه پایدار محیط جغرافیایی، دانشگاه شهید بهشتی.

۲. دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی.

به برپایی توسعه و امنیت مرزها منتهی گردد. این مقاله در چارچوب سکونتگاههای عمدتاً روستایی بخش مرکزی بانه (کردستان) کوشش دارد، تا نقش مبادلات مرزی را در روند شکل‌گیری جریان‌های مختلف در قالب رویکرد شبکه‌ناحیه‌ای و اثربخشی آنها در تحول فضایی سکونتگاهها را نشان دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تعاملات مرزی در ناحیه بانه نه تنها به جریان‌های مختلف افراد، سرمایه، کالاها، اطلاعات و نوآوری دامن زده است، بلکه، به دگرگونی بافت سکونتگاهها، از جمله تغییر در ساخت مسکن و فضاهای مسکونی، از یک‌سو، و تحول در فرصت‌های اشتغال و کسب درآمد بیشتر و نهایتاً به تغییر رفتار اجتماعی - اقتصادی مرنشینان منجر شده است.

کلیدواژگان: مبادله مرزی؛ تحول فضایی؛ جریان‌ها؛ شبکه محلی؛ سکونتگاه انسانی؛ شهرستان بانه.

مقدمه و بیان مسئله

هر کنشی که در فضا صورت می‌گیرد با جهان اجتماعی و فیزیکی ارتباط پیدا می‌کند. فضا واقعیت تجربی یا حسی نیست بلکه چارچوب قراردادی جهت آرایش و ترتیب پدیده‌هاست. این چارچوب مفهومی از فضا، ما را قادر به مقایسه اثرات کنش و در این پژوهش، مبادلات مرزی، در ارتباط با جهان‌های سه گانه (ذهنی، فرهنگی، فیزیکی) می‌کند (ورلن، 1993: 3). با توجه به اینکه مرزها در دوران معاصر در برخی کشورها هنوز به عنوان مانعی برای حرکت آزادانه انسان و کالا هستند؛ (در برخی کشورها با حذف موانع گمرکی و مسافرتی نقش خطوط مرزی به عنوان یک مانع بازرگانی کم شده‌است). پدیده مبادلات مرزی در طرفین مرز توسط ساکنین خطوط مرزی همواره موجود بوده، اما شدت این مبادلات در بخش مرکزی از سال ۱۹۹۱ با تغییرات بوجود آمده در جغرافیای سیاسی منطقه و سپس حمله امریکا به عراق به اوج خود رسیده‌است. از آنجا که کنش اقتصادی موجود در بخش مرکزی ناحیه بانه تحت تاثیر عوامل بیرونی و به تبع داخلی دچار تغییر و دگرگونی شده، لذا تداوم حیات در روستاهای این بخش، به جای الزامات درونی، با ضرورت‌های بیرونی (مبادلات مرزی) همسو شده‌است.

بنابراین فعالیتهای تجاری و بالتبع مبادلات مرزی، باعث تحولاتی در بافت کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی می‌شود. فعالیت‌های تجاری روستائیان دو دلیل بارز دارد؛ ۱. نبود زیرساخت‌های تولیدی و زیربنایی در منطقه، ۲. وجود بیکاری فراوان. بدین ترتیب مبادلات مرزی به عنوان یک کنش انسانی، محصول خودآگاهی و اراده عامل‌ها، جهان (مصنوعات) خاص خود را بوجود آورده‌است و اثرات مبادلات مرزی به عنوان یک کنش انسانی در چارچوب فضایی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. روستاهای بخش مرکزی ناحیه بانه با ۱ دهستان به نام شوی، ۲۸ سکونتگاه روستایی و ۲۵۳۷ خانوار با ۱۱۰۲۰ نفر جمعیت، در اثر مبادلات مرزی، در دهه‌های اخیر با دگرگونی‌هایی همراه بوده‌است و فعالیت اکثریت مردم نیز در این راستا جهت‌گیری شده‌است. بدیهی است این فعالیت‌ها با توجه به محدودیت‌های آن و همچنین نارسائی‌هایی که در سطح آموزشی و فرهنگی بوجود آورده، فاقد پایه‌های اصلی جهت توسعه و ترقی به عنوان یک فعالیت مؤثر است.

بنابراین این فعالیت‌ها منجر به دگرگونی‌هایی می‌شود که یکی از دلایل اصلی این تحولات گرایش

قابل توجه اهالی این روستاها به اینگونه فعالیت‌هاست. از مهمترین تحولات کالبدی - فضایی ناشی از این درآمدها، تغییر در الگوهای مسکن، تغییر در فضا‌بندی مسکن، قیمت زمین که باعث خارج شدن زمین از حالت تولیدی به کالا شده‌است، استفاده از احشام جهت باربری کالا، دگرگونی در شبکه معابر و... شده است. ما در این پژوهش در نظر داریم با توجه به مطالب ذکر شده، نقش مبادلات مرزی را در تحول‌پذیری کالبدی - فضایی سکونتگاههای روستایی بخش مرکزی ناحیه بانه، مورد مطالعه قرار دهیم. در این راستا در پی پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشیم:

۱. مبادلات مرزی تا چه حد در تغییر ساختار کالبدی و عملکردی فضا‌های روستایی دخالت داشته‌است؟

۲. مبادلات مرزی تا چه حد موجب پایداری کالبدی - فضایی این روستاها خواهد بود؟

محدوده یا قلمرو پژوهش

منطقه مورد مطالعه؛ بخش مرکزی شهرستان بانهدر استان کردستان، دارای ۲۸ آبادی دارای سکنه با ۲۵۳۷ خانوار و ۱۱۰۲۰ نفر جمعیت است. محدوده مورد مطالعه از لحاظ موقعیت نسبی، از طرف شمال به بخش نمشیر، از طرف غرب به بخش آلتوت، از طرف جنوب به بخش نور و از طرف شرق به بخش مرکزی در شهرستان سقز محدود می‌شود. ناحیه موردنظر با مساحت ۲۳۰،۴۶ کیلومترمربع و یک دهستان به نام شوی در شمال شهرستان بانه واقع شده‌است.

چارچوب نظری پژوهش

راهبرد شبکه منطقه‌ای با تاکید بر محور فقر و نابرابری در عرصه‌های پیرامونی، به دنبال تجهیز و تقویت اقتصادهای محلی در پیوند و همگرایی با توسعه منطقه‌ای و در نهایت، توسعه ملی است (سعیدی، ۱۳۸۸: ۵۰۳). داگلاس ویژگی شبکه منطقه‌ای را اینگونه معرفی می‌کند که روابط بین مراکز سکونتگاهی، روابطی عمده‌تاً افقی، تکمیلی و متقابل است. در واقع به جای آنکه رابطه‌ای دو به دو بین ده و شهرک برقرار باشد، شبکه‌ای محلی و دارای ارتباطاتی با درجات متفاوت، در طول منطقه و نیز در تعامل با خارج از منطقه شکل می‌گیرد. این شبکه‌ها یا خوشه‌ها، از طریق بررسی جریان‌های مختلف (مردم، کالا، سرمایه و...) در میان سکونتگاه‌های مختلف مشخص

می‌شوند. با شناخت خوشه‌ها و برقراری پیوند مناسب مابین آنها سازمان فضایی منطقه‌ای شکل مناسب‌تری پیدا می‌کند. پتانسیل بیشتری برای بهره‌گیری از پیوندهای روبه بالا و روبه پایین و نیز تأثیر فزاینده آنها در اقتصاد منطقه فراهم خواهد شد. باید توجه داشت که شکل پیوندهای روستایی-شهری شدیداً تحت تأثیر تحولات کلان، از جمله روند جهانی شدن، تعدیل ساختاری و اصلاحات اقتصادی که هم بر جوامع شهری و هم روستایی اثرگذار است، قرار دارد (سعیدی و سلطانی به نقل از تاكولی، ۱۹۹۸). البته همیشه و همه جا عوامل اقتصادی نیستند که نوع پیوندهای روستایی-شهری را مشخص می‌سازند، بلکه این پیوندها، در عین حال، تابع عوامل تاریخی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی و اکولوژیک حاکم در سطح منطقه هستند و بر این مبنا به نحوی گوناگون شکل می‌گیرند (سعیدی و سلطانی، ۱۳۸۶: ۳۷).

در چارچوب راهبرد شبکه منطقه‌ای، به جای تأکید بر شبکه‌ای سلسله‌مراتبی از مراکز، مرکب از مراکز جمعیتی واقع در سطوح مختلف، سکونتگاه‌ها بر اساس کارکردهای متفاوت (سلسله‌مراتب سکونتگاهی)، مجموعه‌ای از مراکز هم سطح، خوشه‌ای یا شبکه‌ای را به وجود می‌آورند که بر اساس فعالیت‌های کلیدی با سایر مراکز در ارتباط و کنش-واکنش متقابل خواهند بود. این راهبرد بر بررسی دقیق جریان‌های بین مراکز مختلف تأکید دارد، زیرا ساختار اصلی نظام فضایی شبکه منطقه‌ای را جریان‌ها و پیوندهای منبعث از آنها تشکیل می‌دهند. بدینسان، روابط متقابل موجود بین مراکز مختلف که در غیاب رویکرد شبکه‌ای، معمولاً ناشناخته باقی می‌ماند، سازمان فضایی خاصی را پدیدار می‌سازد که برای ساماندهی مجدد آن، لازم است ویژگی‌های هر جریان یا پیوند به منظور تقویت پیوندهای مثبت و حذف یا کاهش تأثیر پیوندهای منفی مورد شناسایی قرار گیرد. علاوه بر این، در قالب این راهبرد، جریان‌ها اهمیت بیشتری از گره‌ها^۱ دارند و در واقع، گره‌های شهری و روستایی به صورت یکسان مورد توجه هستند. به سخن دیگر، مدل‌های مکانیکی فرایند فضایی توسعه که بیشتر بر گره‌های شهری تأکید دارند، در این راهبرد جایگاهی ندارند. راهبرد شبکه منطقه‌ای برای دستیابی به چرخه مطلوب توسعه، بر ۷ جنبه کلیدی اقتصاد منطقه‌ای، به شرح زیر، تأکید می‌ورزد: بازاریابی تولیدات؛ ارائه اطلاعات؛

توزیع نهاده‌ها؛ بازاریابی سرمایه؛ بازاریابی نیروی انسانی؛ زیربنای فیزیکی - کالبدی؛ و خدمات حمل و نقل (سعیدی، ۱۳۸۸: ۵۰۴).

بدین ترتیب، این راهبرد بر بررسی دقیق جریان‌های بین مراکز مختلف تأکید دارد، زیرا ساختار اصلی نظام فضایی شبکه منطقه‌ای را جریان‌ها و پیوندهای منبعث از آنها تشکیل می‌دهند (همانجا). به‌سختن کوتاه، پیوندهای روستایی - شهری مبین انواعی از کنش متقابل‌اند که مکمل هم و لازم و ملزوم یکدیگر به‌شمار می‌آیند. در این راستا، چنانچه بتوان پیوندهای موجود بین کانون‌های مختلف فضایی را به درستی مورد شناسایی قرار داد و روند آتی جریان‌های مختلف آن‌ها را با توجه به چشم‌اندازهای منطقه‌ای، ملی و جهانی، به نحوی مناسب ترسیم کرد، می‌توان امیدوار بود که سیاست‌های مناسب توسعه منطقه‌ای در دستور کار قرار گیرند (همانجا). بدینسان، راهبرد شبکه منطقه‌ای بر مجموعه‌ای نامتمرکز و خردمندانه از دخالت سیاسی اصرار می‌ورزد که تنوعات موجود از لحاظ برخورداری از منابع ناحیه‌ای، تقسیم کار بین بخشهای شهری و روستایی و نیازها و توانمندی‌های توسعه محلی را مورد حمایت قرار دهد (همان، ۵۰۵).

در منطقه مورد مطالعه؛ بخش مرکزی شهرستان بانه، پدیده مبادلات مرزی بعد از جنگ تحمیلی به صورت فعالیت غالب اکثریت ساکنین در آمده است. این فعالیت منجر به شکل‌گیری روابطی بین روستاهای مورد مطالعه با شهر و روستاهای مجاور در قالب یک نظام منطقه‌ای شده است. شکل‌گیری پیوند و روابط روستایی - شهری بواسطه جریان‌هایی شامل: مبادلات مرزی، کالا، سرمایه، اطلاعات، مردم و ایده‌ها و... استوار است. مبادلات مرزی به‌عنوان یکی از مهمترین جریان‌های فضایی ناحیه مورد مطالعه موجب گردید تا شبکه‌ای شکل بگیرد که اجزای اصلی آن یعنی نقاط روستایی و شهر بانه در تعامل دوسویه و مکمل هم قرار گیرند. شکل‌گیری منافع مشترک بین نقاط روستایی و شهر بانه، سبب ایجاد رابطه‌ای دوسویه شده است. از این رو مبادلات مرزی در اقتصاد روستائیان و به تبع آن در توسعه نقاط روستایی ناحیه مورد مطالعه تأثیر به‌سزایی داشته است. با افزایش فعالیت مبادلات مرزی زمینه دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی و کالبدی - فضایی در ناحیه آغاز شد. با این تحولات نه تنها زمینه‌های افزایش درآمد و ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی برای روستاهای مورد مطالعه فراهم شد، بلکه، زمینه‌های شکل‌گیری این تحولات در روستاهای مرزی مجاور نیز ایجاد گردید. با شکل‌گیری این تحولات حلقه پیوند بین روستاهای ناحیه و شهر بانه و

همچنین روستاهای مرزی مجاور، با وجود آمدن جریان‌ات تبعی دیگر نظیر سرمایه، اطلاعات، کالا و مردم نیز تقویت گردید. وجود منافع مشترک (فرصت‌های ایجاد شده توسط هر یک از اجزاء برای یکدیگر) بین اجزاء شبکه (شهر، روستاهای مورد مطالعه و روستاهای مجاور مرزی) سبب شد تا جریان‌ات تبعی نیز ماهیتی دوسویه و مکمل پیدا کنند.

مجموعه جریان‌ات اعم از جریان مبادلات مرزی و جریان‌ات تبعی و چگونگی تاثیرگذاری و تاثیرپذیری مثبت و منفی آنها در مبدا و مقصد، دور حیات بخش توسعه و یا دور باطل توسعه نیافتگی را بوجود می‌آورد. هیچ‌یک از این جریان‌ات به خودی خود برای توسعه ناحیه مثبت و یا منفی نیست بلکه در درجه اول برآیند مجموعه جریان‌ها می‌تواند نمایانگر جهت حرکت به سوی توسعه و عقب‌افتادگی باشد بنابراین راهبرد شبکه منطقه‌ای، از طریق شناسایی و تحلیل جریان‌های فضایی عرصه‌های زیستی روستا و شهر می‌تواند راهبردی مناسب جهت سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های روستایی- شهری در بخش مرکزی شهرستان بانه و دیگر نواحی همسان در کشور باشد.

روابط و جریان‌های شهر و روستا با تأکید بر مبادلات مرزی

بر اساس راهبرد شبکه منطقه‌ای، جریان‌های فضایی موجود بین دو عرصه زیستی روستا و شهر با تأکید بر نقش مبادلات مرزی در بخش مرکزی شهرستان بانه شناسایی شده و مهمترین تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی- اقتصادی و کالبدی- فضایی ناشی از این جریان‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

مهمترین جریان‌های فضایی عرصه‌های روستایی ناحیه مطالعاتی و شهر بانه، تحت تأثیر مبادلات مرزی در قالب جریان‌های زیر قابل بررسی است.

۱. جریان افراد

جریان انسانی مولد سایر جریان‌ها است، تمامی جریان‌های فضایی اعم از جریان سرمایه، ایده، افکار، اطلاعات، فناوری و هر جریان دیگری از جریان انسان در عرصه فضا نشأت می‌گیرد. بیشترین جریان جمعیتی روستاهای بخش مرکزی به شهر بانه با توجه به مبادلات مرزی به

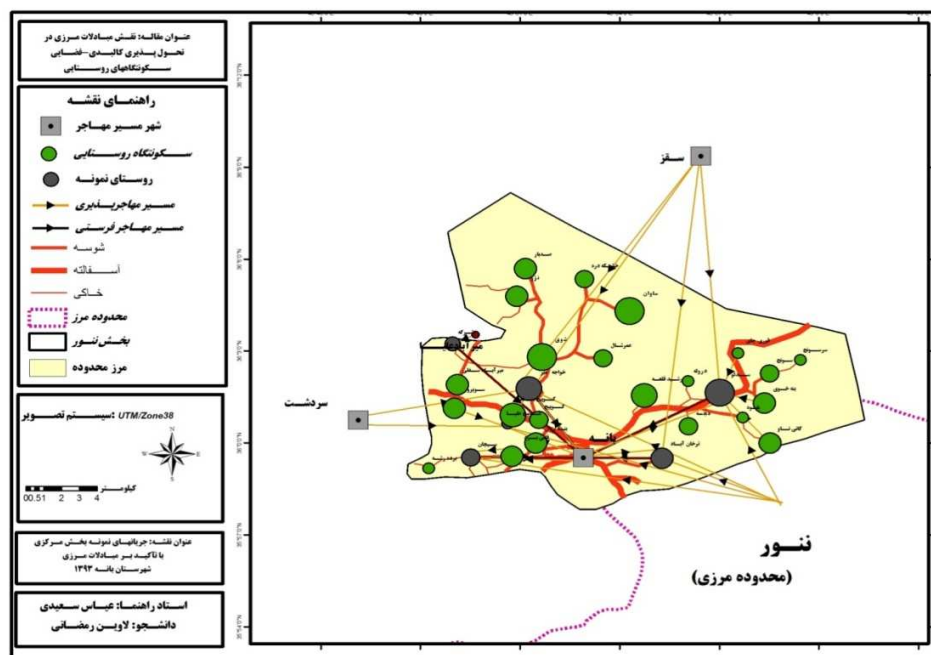
صورت تشدید روندهای مهاجرتی روستایی - شهری و در برخی موارد مهاجرت روستایی از روستاهای مرزی است. بررسی روستاهای نمونه منطقه مورد مطالعه حاکی از جنبه مهاجر فرستی روستاهای کوچک و میانه و روند متعادل تر مهاجر فرستی روستاهای بزرگ و در مواردی نیز مهاجرپذیری روستاهای بزرگ است.

با توجه به مبادلات مرزی در ناحیه مورد مطالعه و فعالیت‌های خدماتی وابسته به آن در شهر بانه، می‌توان گفت که بین فاصله کم سکونتگاهی از شهر بانه و میزان مهاجرت‌های روستایی - شهری رابطه مستقیمی وجود دارد به گونه‌ای که سکونتگاه‌های نزدیک به شهر بانه نسبت به سکونتگاه‌های دورافتاده و در فواصل دور از شهر، از حجم مهاجر فرستی و مهاجرپذیری بیشتری برخوردارند. نزدیکی به شهر و همچنین قرار گرفتن در مسیر جاده پرفت و آمد سقز-بانه (روستای سبدلو)، باعث حجم بالای مهاجرپذیری و مهاجر فرستی در روستاهای سبدلو، ترخان‌آباد و خواجه‌میر شده است. روستای کوپیچ‌علیا نیز به علت نزدیکی به شهر و ارزانی زمین، مقصد بسیاری از مهاجران وارد شده از شهر بانه و روستاهای اطراف و همچنین روستاهای مرزی است.

جدول ۱: بررسی جریان‌های جمعیتی ناشی از مبادلات مرزی در روستاهای نمونه بخش مرکزی

نوع مهاجرت	مهاجرت به دلیل مبادلات مرزی						فاصله به کیلومتر تا شهر	روستاهای نمونه
	مهاجرپذیری و مسیر مهاجر		مهاجر فرستی و مسیر مهاجر		رتبه	رتبه		
	از روستا	از شهر	به روستا	به شهر	مهاجرپذیری	مهاجر فرستی		
دائم	سویرو، روستاهای مرزی (بخش نور)	بانه، سقز، سردشت	-	-	۴	-	۳	کوپیچ علیا
دائم	میرآباد علیا	-	-	بانه	-	-	۱۵	شرگه
دائم	قائی برد، روستاهای مرزی (بخش نور)	بانه	-	بانه	۵	۴	۵	سیچان
دائم و موقت	روستاهای مرزی (بخش نور)	بانه، سقز	-	بانه	۲	۲	۵	ترخان‌آباد
دائم	عمرشال، شوی	بانه، سقز، سردشت	-	بانه	۳	۳	۶	خواجه‌میر
دائم و موقت	قوری چای، بنه خوی، کانی ناو، روستاهای مرزی (بخش نور)	بانه، سقز	-	بانه	۱	۱	۱۰	سبدلو

منبع. یافته‌های پژوهش ۱۳۹۳



نقشه ۱: مهاجرت فرستایی و مهاجرت‌پذیری و جریان‌های جمعیتی ناشی از مبادلات مرزی روستاهای نمونه بخش مرکزی
 ماخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۹۰؛ سازمان نقشه برداری؛ مطالعات میدانی (۱۳۹۳)

۲. جریان اقتصادی

ساکنین روستاهای مورد مطالعه در طول شبانه‌روز برای انجام فعالیت‌های اقتصادی مربوط به مبادلات مرزی در مرز و یا فعالیت‌های خدماتی وابسته به مبادلات در شهر بانه مشغول به کار هستند. روستاهای مورد مطالعه در انواع فعالیت‌های مبادلات مرزی شامل الاغ‌دار، کوله‌بر، وانت‌دار و صاحب‌بار و تخلیه و انباردار فعالیت دارند و برخی دیگر از ساکنین در شهر بانه در بخش خدماتی شامل مغازه‌داری در پاساژهای وابسته به مبادلات، دستفروشی، دوره‌گردی و ... فعالیت دارند. در ناحیه مورد مطالعه حدود ۶۰ درصد ساکنین روستای سبدلو در بخش خدمات وابسته به مبادلات شامل مغازه‌داری در پاساژ و دستفروشی و ... در شهر و همچنین در روستای خود مشغول به کار هستند و تنها حدود ۲۹ درصد در فعالیت‌های وانت‌داری و انبار کالا مشغول هستند. بنابراین روستای سبدلو بیشترین سهم در فعالیت مبادلات مرزی در بین روستاهای مورد مطالعه و بیشترین رفت‌وآمد شبانه‌روزی به شهر را دارند. روستای ترخان آباد با ۴۴ درصد فعالیت ساکنینش

در بخش خدماتی در شهر و ۲۸ درصد در بخش مبادلات در مرز و شهر، از دومین جایگاه از لحاظ جریان اقتصادی و رفت‌وآمد شبانه‌روزی به شهر و مرز در میان روستاهای مورد مطالعه برخوردار است. به ترتیب روستاهای خواجه‌میر و کویچ علیا بیشترین سهم در فعالیت‌های خدماتی وابسته به مبادلات در شهر بانه را دارند و دو روستای سیجان و شرگه نیز هیچگونه دخالتی در فعالیت‌های خدماتی مبادلات مرزی در شهر بانه ندارند و تنها ۱۲ درصد از ساکنین روستای سیجان و ۸ درصد ساکنین روستای شرگه به فعالیت‌های کوله‌بری و وانت‌داری مشغول‌اند و بیشتر جریانات اقتصادی آنان با مرز است. لازم به ذکر است که درصدگیری با در نظر گرفتن اشتغال به کشاورزی و مشاغل اداری - سیاسی ساکنین روستاها صورت گرفته است.

جدول ۲: بررسی جریانهای اقتصادی ناشی از مبادلات مرزی در روستاهای نمونه بخش مرکزی

روستاهای نمونه	مبادلات مرزی (الاغ دار، کوله بر، وانت‌دار، صاحب بار+ تخلیه بار+انباردار) در مرز و شهر (درصد)	مبادلات مرزی (مغازه‌داری، دستفروشی، دوره گردی و ...) در شهر (درصد)
کویچ علیا	۱۷	۳۰
شرگه	۸	-
سیجان	۱۲	-
ترخان آباد	۲۸	۴۴
خواجه میر	۲۰	۳۸
سیدلو	۲۹	۶۰

منبع. یافته‌های پژوهش ۱۳۹۳

۳. جریان سرمایه

با توجه به اینکه در سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی تمامی روستاهای نمونه بررسی شده منبع درآمدی وابسته به مبادلات مرزی دارند و در منابع درآمدی دیگر مانند کشاورزی و دامداری سستی و ... اشتغال خاصی ندارند، لذا با توجه به ماهیت مبادلات مرزی از منبع درآمدی قابل توجهی برخوردار هستند. البته می‌بایست در زمینه درآمد روستائیان همواره با احتیاط بیشتری تحلیل نمود. با این حال روند این جریان درآمدی و سرمایه بالا، در مکانیسم دوسویه بودن این جریان‌ها با منافع مشترک روستاها و شهر بانه همراه خواهد بود. جریان سرمایه‌ای ناشی از مبادلات

مرزی شامل مؤلفه‌های گسترده‌ای اعم از خرید و فروش زمین و ساختمان، تعمیر خانه‌های قدیمی و ساخت خانه‌های جدید با پیروی از الگوی شهری، خرید وانت جهت حمل و نقل کالا از مرز، خرید مغازه در پاساژهای شهر، پس اندازهای بانکی، در بعضی موارد خرید لوازم و ماشین‌آلات کشاورزی و نهاده‌های کشاورزی، خرید انواع کالاها و امورات زندگی و ... است. در میان روستاهای نمونه روستاهای شرگه و سیچان کمترین درصد سرمایه‌گذاری در مبادلات مرزی را دارند و بیشتر درآمد خود را در بخش کشاورزی سرمایه‌گذاری می‌کنند. لازم به ذکر است که دو روستای سبدلو و کوپیچ علیا فاقد زمین کشاورزی بوده و زمین‌های کشاورزی سابق خود را جهت ساخت‌وساز به فروش رسانده‌اند.

جدول ۳: بررسی جریان سرمایه ناشی از مبادلات مرزی در روستاهای نمونه بخش مرکزی

جریان سرمایه‌گذاری خانواری با تأکید بر مبادلات مرزی							روستاهای نمونه
سایر هزینه‌های جاری	خرید لوازم و ماشین‌آلات و نهاده‌های کشاورزی	پس اندازهای بانکی	خرید مغازه در پاساژهای شهر	خرید وانت جهت حمل و نقل کالا از مرز	تعمیر خانه‌های قدیمی و ساخت خانه‌های جدید	خرید و فروش زمین و ساختمان	
۱۶	-	۱۰	۲۳	۸	۱۱	۳۲	کوپیچ علیا
۱۰	۴۴	۷	۳	۴	۲۰	۱۲	شرگه
۷	۳۲	۸	۹	۹	۱۹	۱۶	سیچان
۱۰	۷	۷	۲۸	۱۲	۲۰	۱۶	ترخان‌آباد
۸	۱۱	۶	۲۶	۱۰	۲۱	۱۸	خواجه‌میر
۱۴	-	۴	۳۰	۱۲	۱۸	۲۲	سبدلو

ماخذ: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۳

تحولات اجتماعی - اقتصادی

وضعیت فعالیت

ناحیه مورد مطالعه اگرچه دارای زمین زراعی است، اما بیشتر اراضی زراعی برای ساخت و ساز به فروش رسیده و زمین‌های کشاورزی از حالت تولیدی خارج شده و حالت کالایی پیدا

کرده‌اند و میزان محدود باقیمانده به‌طور متوسط به ۱۰۰ هکتار می‌رسد، که بیشتر اراضی زراعی مربوط به روستاهای شرگه و سیچان می‌باشد. با توجه به مطالعات انجام شده مشخص گردید که زمین‌های زراعی سابق روستای خواجه‌میر که وسعت قابل ملاحظه‌ای داشته است به علت اختلافات قومی توسط ساکنین روستای شوی خریداری شده و تنها درصد محدودی از اراضی باقیمانده است. بنابراین با توجه به محدود بودن و یا فقدان زمین زراعی در روستاهای سبدلو و کویچ‌علیا و همچنین رایج بودن شیوه تولید سنتی در روستاهای برخوردار، ساکنین مجبور به رها کردن این فعالیت شده و به سمت مبادلات مرزی و خدمات وابسته به آن گرایش پیدا کرده‌اند که این امر طی مصاحبه با مردم مشخص شده است.

جدول ۴: وضعیت فعالیت در روستاهای نمونه در بخش مرکزی

نوع فعالیت	مبادلات مرزی (بخش خدماتی، بخش مرزی)	کشاورزی	کشاورزی + مبادلات مرزی (بخش خدماتی، بخش مرزی)	سایر موارد
تعداد	۱۲۱	۴۹	۳۰	۲۷
درصد	۵۳,۳	۲۱,۵	۱۳,۲	۱۱,۸

ماخذ: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۳

نوع فعالیت در مبادلات مرزی

مبادلات مرزی شبکه گسترده‌ای از انواع اشتغال را فراهم نموده است و به طور مستقیم و غیرمستقیم سبب پویایی و پایداری منطقه شده است. با توجه به نزدیکی سکونتگاه‌های روستایی نمونه به شهر بانه بیشتر فعالیت‌های آنها در بخش خدماتی مبادلات مرزی است و تنها درصد محدودی از خانوارها که به مرز واقع در بخش نور نزدیک هستند به مبادلات مرزی مشغول می‌باشند. بدیهی است که محاسبات انجام شده برای تعداد خانوارهایی است که دست‌اندرکار مبادلات مرزی بوده‌اند لذا تعداد خانوارهایی که صرفاً مشغول فعالیت کشاورزی بوده‌اند از این آمار کم شده‌اند.

جدول ۵: نوع فعالیت در روستاهای نمونه بخش مرکزی

درصد	تعداد	نوع فعالیت	
۴۴	۱۰۰	مغازهداری	فعالیت وابسته به مبادلات مرزی در شهر
۱۸,۵	۴۲	دستفروشی	
۱۴	۳۲	دوره‌گردی	
-	-	الاغ‌دار	فعالیت وابسته به مبادلات مرزی در مرز
۱۰	۲۳	کوله‌بر	
۹,۲	۲۱	وانت‌دار	
۳,۹	۹	صاحب بار+تخلیه+انباردار	

منبع. یافته‌های پژوهش ۱۳۹۳

تعداد افراد دست‌اندرکار مبادلات

مبادلات مرزی شغل اکثریت ساکنین را تشکیل می‌دهد. به‌گونه‌ای که از ۱۵۱ خانوار مشغول به مبادلات ۱۲۱ خانوار صرفاً به فعالیت مبادلات و ۳۰ خانوار علاوه بر مبادلات در بخش کشاورزی هم مشغول هستند. بدیهی است که با کاهش ابعاد خانوار تعداد اعضای خانوار نیز کاهش می‌یابد، لذا در این محدوده ۷۰,۸ درصد خانوارها ۲ نفر و کمتر از ۲ نفر در آن مشغول به فعالیت هستند و حدود ۲۹,۸ درصد خانوارها اظهار داشتند که بیشتر از ۲ نفر مشغول به فعالیت در این شغل هستند. بدیهی است که هرچه افراد بیشتری در خانوار مشغول این فعالیت باشند با توجه به افزایش قدرت خرید تغییرات بیشتری در فضا ایجاد می‌کنند.

محدودیت‌های موجود برای این فعالیت

با توجه به نوع فعالیت‌های وابسته به مبادلات در روستاهای مورد مطالعه می‌توان گفت اکثریت روستاها به علت نزدیکی به شهر بانه در بخش خدماتی مبادلات مشغول به کار هستند و اکثر خانوارها اظهار داشتند که فعالیت‌های دستفروشی و دوره‌گردی با برخورد از طرف مأمورین سد معبر شهرداری جهت جمع‌آوری وسایل دستفروش‌ها و دوره‌گردها همراه است و این امر را به‌عنوان محدودیت برای فعالیت خود می‌پنداشتند. مطالعات انجام شده در روستاهای نمونه حاکی از این است که اکثریت خانوارهای روستایی دارای دفترچه پیلهوری و کارت مرزنشینی

هستند و از همین به‌عنوان محدودیت اصلی و سپس صدمات فیزیکی ناشی از حمل بار سنگین، تشنگی و گرسنگی در طول راه، معضلات آب و هوایی و نبود هیچ‌گونه نهاد دولتی و غیردولتی مدافع آنها را در اولویت بعدی محدودیت‌ها قرار می‌دادند. و تعداد محدودی از خانوارها که در بخش حمل و نقل کالا یعنی وانت‌دار که بیشتر به صورت قاچاق کالاها را حمل می‌کردند، شکاف بین مردم و مأمورین نیروی انتظامی به‌عنوان محدودیت اصلی دانستند.

میزان رضایت از فعالیت

با توجه به محدودیت‌های موجود در این فعالیت از ۱۷۴ خانوار مشغول در بخش خدماتی ۱۵۰ خانوار از فعالیت خود رضایت داشتند و علت رضایت خود را درآمد بالای مبادلات می‌دانستند و ۲۴ خانوار باقیمانده که دستفروش و دوره گرد بودند از فعالیت خود رضایت نداشتند و علت نارضایتی را مأمورین سد معبر و استرس و فشار روانی ناشی از آن می‌دانستند. و در مقابل از ۵۳ خانوار مشغول به مبادلات مرزی در مرز با وجود محدودیت‌های نام برده از فعالیت خود رضایت داشتند و تنها ۱۸ خانوار ناراضی بودند و در پاسخ اظهار داشتند که در صورت داشتن منبع درآمد دیگر هرگز دنبال این فعالیت نمی‌رفتند، بدیهی است که هرچه میزان رضایت از یک فعالیت بیشتر باشد پتانسیل لازم جهت بسامان نمودن فضا بیشتر است.

تحولات کالبدی - فضایی

شکل کلی معماری سنتی از سنت عامیانه سرچشمه می‌گیرد و سنت عامیانه همان سنت بلاواسطه و ناخواگاهی است که در بطن یک فرهنگ مردمی جریان دارد و به گونه‌های مادی و معنوی متأثر از نیازها و ارزش‌های مربوط به آنها و نیز به مبنای خواستها و آرمان‌های آنها و به پیروی از رنج‌ها و شادی‌ها و آرامش انسانی شکل می‌گیرد (زرگر، ۱۳۷۸: ۹). دو نیاز از اساسی‌ترین نیاز بشر غذا و سرپناه است و آثار باقیمانده از مناطقی که در تصرف مردم بوده حاصل فعالیت‌های مرتبط با تأمین آن دو نیاز است (چپ من، ۱۳۸۶: ۳۹).

بدیهی است که کالبد روستا، خانه‌ها، کوچه‌ها و محدوده‌های آن باید با نوع فعالیت افراد سازگاری داشته باشد. در این راستا عوامل مؤثر اقتصادی در فضای کالبدی عبارت است از: نوع

فعالیت‌های تولیدی، ابزار تولید و میزان درآمد. تحولات ایجاد شده در سطح اجتماعی-اقتصادی روستاها به صورت بارز، در محیط روستایی بازتاب داشته و تغییرات اساسی در کالبد روستا بوجود آمده است. ۲۵,۹ درصد خانه‌ها بیش از ۱۰ سال قدمت دارند و ۷۴,۱ درصد خانه‌های مورد نمونه‌گیری در ۱۰ سال اخیر ایجاد شده‌اند که این امر ارتباط مستقیم با درآمد مردم دارد. بدیهی است عوامل دیگری چون غیرقابل سکونت بودن خانه قبلی، بالا رفتن درآمد، تغییر شغل و یا جدایی فرزندان از پدر و مادر نیز در این امر تأثیر داشته است. با توجه به بررسی‌های انجام شده مشخص شد مهمترین علت ساخت خانه‌های جدید با ۳۶,۳ درصد، مربوط به غیرقابل سکونت بودن خانه قبلی و همچنین افزایش درآمد متأثر از مبادلات مرزی است.

جدول ۶: علت ساخت خانه جدید

غیر قابل سکونت بودن قبلی		بالا رفتن درآمد		تغییر شغل		غیر قابل سکونت بودن قبلی+بالا رفتن درآمد		سایر موارد	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۲۷	۱۶	۴۲	۲۵	۷	۴	۶۱	۳۶,۳	۳۱	۱۸,۴

منبع: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۳

تحولات ایجاد شده در فضاها ساخته شده جدید

با افزایش مبادلات مرزی فضاها ساخته شده نیز متناسب با این فعالیت و نیز الگو برداری از معماری جدید شهری تغییراتی پیدا کرده است. در مجموع، ۱۱,۳ درصد خانوارها خانه جدید خود را صرفاً به خاطر نوع مصالح با خانه قبلی متفاوت می‌دانستند، ۶,۵ درصد خانوارها خانه خود را فقط از نظر وسعت با خانه قبلی متفاوت می‌دانستند، ۵,۳ درصد خانوارها محل احداث را تغییر داده بودند، ۱۷,۸ درصد خانوارها علت متفاوت بودن را نوع مصالح به علاوه وسعت می‌دانستند، ۲۲,۶ درصد خانوارها تفاوت خانه جدید با خانه قبلی را در نوع مصالح، وسعت و محل احداث بیان می‌کردند، ۴ درصد خانوارها تفاوت را در نوع مصالح، وسعت و تعداد طبقات

می‌دیدند و ۳۲ درصد خانوارها تفاوت خانه جدید با خانه قبلی را تفاوت در نوع مصالح، وسعت، تعداد طبقات و محل احداث می‌دانستند.

بنابراین ملاحظه شد که خانه‌های جدید اکثراً در بیرون از بافت قدیمی روستا ساخته شده‌اند (محل احداث)، و این نیاز به تغییر شبکه معابر و ایجاد فضای بلوک مانند جهت تخلیه وانت داران، و خودروهای شخصی برمی‌گردد که نیاز به تغییر شبکه معابر (تصویر شماره ۱) و در نتیجه خیزش به سمت زمین‌های اطراف فضای مسکونی جهت احداث معماری جدیدتر با معابر عریض‌تر وجود داشته و این امر در مشاهدات میدانی به صورت بارز دیده شده است. پدیده دیگر ورود مصالح غیربومی با دگرگونی در سنت ساخت و ساز و الگوبرداری از معماری شهری (تصویر شماره ۲) است که متأثر از افزایش درآمد روستائیان و نیز افزایش ارتباطات با شهر است.



تصویر ۲: نمونه‌ای از الگوبرداری از معماری شهری در روستای خواجه‌میر

تصویر ۱: نمونه‌ای از تحول در شبکه معابر در روستای سیدلو

ماخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۳

پدیده دیگر وسعت خانه‌های ساخته شده است که با افزایش درآمد و تسلط بر گرم و سرد کردن خانه‌ها با تکنولوژی موجود، تراکم واحدهای ساخته شده کاهش یافته و تقریباً ساخت جدید حالت بلوک مانند است.

مصالح مورد استفاده در خانه‌های مسکونی

با دگرگونی ایجاد شده در معماری و بافت کالبدی روستاها به تبع فضاهای مسکونی و بناهای ساخته شده نیز تغییراتی پیدا کرده‌اند. یکی دیگر از این تحولات، دگرگونی در مصالح مورد

استفاده در ساخت بناهاست. در مجموع ۲۶,۸ درصد خانه‌ها از بتن و بلوک سیمانی ساخته شده، ۳۲ درصد از بلوک و سیمان و آهن، ۱۹,۸ درصد خانه‌ها از آجر و آهن، ۱۳,۶ درصد خانه‌ها از سنگ و چوب و آهن و تنها ۷,۴ درصد از سنگ و گل و چوب ساخته شده‌اند. اطلاعات بدست آمده حاکی از این است که اکثر خانه‌های مسکونی با استفاده از مصالح جدید و بالتبع با پیروی از معماری شهری ساخته شده‌اند. لازم به ذکر است که تنها دو روستای شرگه و سیچان بافت سنتی خود را حفظ کرده‌اند.

جدول ۷: مصالح مورد استفاده در خانه‌های مسکونی روستاهای نمونه در بخش مرکزی

بتن و بلوک سیمانی		بلوک و سیمان و آهن		آجر و آهن		سنگ و چوب و آهن		سنگ و گل و چوب	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۶۱	۲۶,۸	۷۳	۳۲	۴۵	۱۹,۸	۳۱	۱۳,۶	۱۷	۷,۴

ماخذ: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۳

کاربری طبقه زیرین خانه‌های مسکونی

منطقه مورد مطالعه در گذشته بیشتر مشغول فعالیت‌های بخش اول (کشاورزی) و بیشتر مشغول دامداری بودند، لذا به دلیل کوهستانی بودن منطقه، سردی زمستان و همچنین برای تأمین امنیت نگهداری از دام‌ها، اغلب طبقه زیرین خانه‌ها به آغل و طویله اختصاص داده می‌شد. اما با گذر زمان افزایش فعالیت مبادلات، کنار گذاشتن دامداری سنتی و نیز با الگوبرداری از معماری شهری و احداث طویله بیرون از فضای مسکونی تغییراتی در کالبد روستاها بوجود آمده است. با توجه به مطالعات انجام شده بیشتر خانه‌های روستایی، تازه ساخت و فاقد آغل و طویله در طبقه زیرین و دارای پارکینگ و یا انباری برای نگهداری کالا مورد استفاده هستند. یافته‌های میدانی نشان می‌دهد که ۵۸,۱ درصد از خانه‌های مورد نمونه‌گیری فاقد آغل و طویله در طبقه زیرین خانه خود هستند و این متناسب با دگرگونی در فعالیت ساکنین محدود بوده است. و ۴۱,۸ درصد خانه‌ها که دارای بافت قدیمی و یا شغل آنها کشاورزی است در طبقه زیرین خانه خود آغل یا طویله دارند.

تغییر کاربری و افزایش قیمت زمین‌های کشاورزی اطراف فضای مسکونی

با سمت‌گیری سکونتگاه‌های روستایی به بیرون از بافت قدیمی روستا به دلیل نیاز به تعریض معابر و دوری از بافت کهنه، فضاهای جدید ساخته شده متمایل به بیرون از بافت قدیمی روستا بوده و در بسیاری از روستاها دیده شده که مردم خانه خود را رها کرده و به محل جدید جهت افزایش دسترسی و نیز جلوه زیبا و جدید بافت‌های نو، نقل مکان داده‌اند. و بیشتر زمین‌های کشاورزی برای ساخت‌وساز توسط ساکنین شهر به علت ارزانی نسبت به زمین‌های شهر به فروش رسیده است (کویچ علیا) و این امر باعث تغییر حالت زمین‌های کشاورزی از حالت تولیدی به حالت کالا شده است و از طرفی هم چون روستایی درآمد ناچیزی از کشاورزی بدست می‌آورد. بنابراین فروش جهت ساخت و ساز برایش به‌صرفه‌تر است. مطالعات نشان می‌دهد که ۹۷,۳ درصد خانوارها اظهار داشته‌اند که زمین‌های اطراف تغییر قیمت پیدا کرده است و ۲,۶ درصد خانوارها این امر را منکر شده‌اند که این نسبت هم به روستاهای شرگه و سیچان برمی‌گردد که فعالیت غالب ساکنین آن کشاورزی است. همچنین افراد پاسخگو، تغییرات قیمت زمین‌های اطراف فضای مسکونی را بین ۵-۱۰ برابر دانسته‌اند که این بازه تغییرات مربوط به روستاهایی است که سهم کمتری در مبادلات داشته‌اند و ۷۱,۴ درصد پاسخگویان نیز اظهار داشته‌اند که قیمت زمینهای اطراف فضای مسکونی روستا افزایشی بالای ۱۰ برابر و حتی ۲۰ برابر در ۱۰ سال گذشته داشته است و این امر را ناشی از وضعیت بحرانی اقتصاد کشور و همچنین افزایش فعالیت مبادلات، افزایش ازدواج، افزایش تعداد مهاجرین وارد شده و تلاش برای خریداری زمین جهت ساخت و ساز دانسته‌اند. البته در پاسخ به علت تغییر قیمت زمینهای اطراف فضای مسکونی، روستاهای سبدلو، ترخان‌آباد، کویچ‌علیا و خواجه‌میر علت را نزدیکی به شهر و همچنین مبادلات مرزی می‌دانستند. تعدادی از خانوارهای ساکن در روستای سبدلو، علت افزایش قیمت را، وجود چشم‌انداز زیبای این روستا (سد بانه و کوه‌های پوشیده از جنگل که روستا را احاطه کرده است) می‌دانستند. همچنین نبود انگیزه جهت فروش زمین توسط صاحبان آن، در مواقعی که زمین در دست سرمایه‌داران شهری است، از دلایل عدم تغییر قیمت در بعضی از روستاها بود.

جدول ۸: علت افزایش قیمت زمین های اطراف در روستاهای نمونه بخش مرکزی

سایر موارد		چشم‌انداز زیبا		مبادلات و نزدیکی به شهر	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۵,۸	۱۳	۸,۵	۱۹	۸۵,۵	۱۸۹

منبع. یافته‌های پژوهش ۱۳۹۳

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در رویکرد شبکه منطقه‌ای با توجه به جریاناتی که بین اجزای شبکه سکونتگاهی (شهر و روستا) وجود دارد، زمانی که این جریانات توسعه یابند و تبدیل به جریاناتی دوسویه شوند، منافی مشترک بین اجزای شبکه ایجاد می‌شود و منجر به پیوند آن‌ها می‌گردد. با گسترش این منافع، پیوندها در ابعاد مختلف در شبکه سکونتگاهی تقویت می‌گردند و در نهایت، منجر به توسعه روستایی می‌شود. در محدوده مورد مطالعه، پس از بررسی‌های انجام شده مشخص گردید، پدیده مبادلات مرزی، منجر به شکل‌گیری روابطی بین محدوده مورد مطالعه با شهر و با مرز و همچنین روستاهای مجاور و روستاهای مرزی شده است، و این روابط بواسطه یک سری جریانات (جریان جمعیتی، جریان اقتصادی، جریان سرمایه) که مهمترین جریانات در عرصه فضاهای زیستی به حساب می‌آیند، منافی مشترک و دوسویه بین اجزای شبکه ایجاد کرده است. این جریانات باعث ایجاد دگرگونی‌های اقتصادی (افزایش درآمد و ایجاد فرصت‌های شغلی و ...) و تحولاتی کالبدی- فضایی مثبت و منفی (تغییر در الگوهای مسکن، تغییر در فضا بندی مسکن، افزایش قیمت زمین که باعث خارج شدن زمین از حالت تولیدی به کالا شده است، دگرگونی در شبکه معابر و ...) در محدوده شده است. در واقع آنچه به‌عنوان مزیت اصلی مبادلات مرزی به حساب می‌آید، پویایی مناسبی است که به محدوده بخشیده است. با خروج هر محدوده‌ای از انزوا، پتانسیل قابل ملاحظه‌ای برای رفع محدودیت‌ها بوجود می‌آید، اما پدیده مبادلات مرزی همچنان که مزیت‌هایی داشته، محدودیت‌هایی نیز دارد. از جمله این محدودیت‌ها وجه غیرقانونی بودن آن است. از آنجایی که این فعالیت، سبب رشد اقتصادی و رفع نابرابری‌ها در ناحیه شده است، نگرش نوین به این امر لازم و ضروری است. با توجه به اینکه راه قانونی این فعالیت توسط شرکت‌های بازرگانی و عده محدودی انجام می‌گیرد،

ناپایداری محدودیت دیگر این پدیده است. ناپایداری تهدیدی جدی برای فرصت‌های ایجاد شده و تحولات ایجاد شده در ناحیه است، که در حال حاضر قابلیت مناسبی برای پایداری ناحیه به حساب می‌آید. محدودیت دیگر عدم به‌کارگیری سرمایه‌های ایجاد شده در روند تولید است و منطقه از این لحاظ در انزوای تولید قرار دارد.

در نهایت، با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان چنین نتیجه گرفت که پدیده مبادلات مرزی با وجود محدودیت‌های ذکر شده توانسته است تا حدودی، با ایجاد فرصت‌های شغلی و تحولات کالبدی- فضایی مثبت، پویایی قابل ملاحظه‌ای در ناحیه ایجاد کند. لذا با توجه به ماهیت ناپایدار این پدیده، متعاقب آن تحولات و پویایی نیز پایدار نخواهند بود.

با توجه به اینکه هدف هر برنامه‌ریزی رسیدن به توسعه است، بنابراین در جهت توسعه روستایی منطقه باید با نگرشی نوین و توجه به سایر پتانسیل‌های موجود در منطقه اقدام نمود. بنابراین در این راستا پیشنهاد‌های زیر قابل ذکر هستند:

۱. ایجاد نهادهای پشتیبان برای فعالان بخش مبادلات مرزی جهت دفاع از حقوق آنها و تامین بیمه‌های اجتماعی و امنیت شغلی برای آنها.

۲. تلاش برای ظرفیت‌سازی محلی و ترویج کارگرایی به جای رفاه‌گرایی از طریق کارآفرینی برای مردم و ایجاد مناطق ویژه کسب و کار با توجه به پتانسیل‌های موجود در منطقه (جمعیت فعال زیاد، آب و هوای مناسب، منابع زیرزمینی فراوان، نزدیکی به دروازه ورود کالا).

۳. مبادلات مرزی باید با بخش کشاورزی پیوستگی داشته باشد و هر دو در راستای بهره‌گرفتن از همدیگر در تلاش برای بهبود محیط روستایی باشند. از یک سو مبادلات مرزی سرمایه لازم را برای کشاورزی فراهم نماید و از سوی دیگر مبادلات مرزی با افزایش درآمد مردم، بازار مصرفی مناسبی برای محصولات کشاورزی ایجاد کند و نیروی مازاد کار بین این دو بخش رد و بدل شوند.

۴. با توجه به اینکه زمین زراعی در محدوده بخش خیلی کم است و پتانسیل زراعت با تولید انبوه وجود ندارد، نیاز به مبادلات مرزی از طریق ایجاد منطقه مرزی نه خطوط مرزی برای ساکنین این منطقه ضروری است و با ایجاد زیرساخت‌های تولیدی و صنعتی در منطقه در ادامه آن پیشنهاد می‌شود.

۵. افزایش نزدیکی هر چه بیشتر دیدگاه مأمورین نظامی و انتظامی با مردم، از طریق تبلیغات در

محیط‌های انتظامی و روستاها و سخنرانی‌های متقابل هر دو طرف برای رفع نگاه امنیتی حاکم بر منطقه.

۶. به‌کارگیری سرمایه‌های بدست آمده توسط ساکنین این بخش در زیرساخت‌های تولیدی از طریق ایجاد بانک در سطح بخش و تشویق به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بومی آن منطقه.

۷. کاهش نرخ تعرفه‌های گمرکی به عنوان راهکاری جهت ترغیب افراد برای ورود قانونی کالاها از مرز.

۸. در نهایت، با توجه به چشم‌انداز زیبای منطقه، چشمه‌های بی‌شمار و کوه‌های پوشیده از جنگل‌های بلوط، می‌توان گردشگری را وارد چرخه اقتصادی این منطقه کرد و پویایی دیگری به بخش بخشید.

کتابشناسی

۱. تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۸۴)، نقش بازارهای محلی در پیوندهای روستایی - شهری با تأکید بر تعادل‌های منطقه‌ای، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی (به راهنمایی دکتر عباس سعیدی)؛
 ۲. چپمن، دیوید (۱۳۸۶)، آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت، ترجمه منوچهر طیبیان و شهرزاد فریادی، انتشارات دانشگاه تهران؛
 ۳. رمضانی، لاوین (۱۳۹۳)، نقش مبادلات مرزی در تحول‌پذیری کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های روستاها (بعد از انقلاب اسلامی)، نمونه موردی: بخش مرکزی شهرستان بانه، رساله کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی (به راهنمایی دکتر عباس سعیدی)؛
 ۴. زرگر، ابراهیم (۱۳۷۸)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی، نشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران؛
 ۵. سعیدی، عباس (۱۳۸۷)، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، وزارت علوم و سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها؛
 ۶. سعیدی، عباس و ریحانه سلطانی (۱۳۸۶)، نقش پیوندهای کلانشهری در تحول کالبدی - فضایی روستاهای پیرامونی، نمونه: روستاهای حصار در حوزه کلانشهر مشهد، مجله جغرافیا، سال دوم، شماره سوم؛
 ۷. سلطانی مقدس، ریحانه (۱۳۸۶)، نقش پیوندهای روستایی - شهری در تحولات فضای روستایی با تأکید بر سرمایه‌گذاری‌های ناحیه‌ای، نمونه موردی: محدوده روستای طرهبه (استان خراسان رضوی)، رساله دکتری جغرافیایی و برنامه‌ریزی روستایی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی (به راهنمایی دکتر عباس سعیدی)؛
 ۸. عزیزپور، فرهاد (۱۳۸۷)، نقش پیوندهای روستایی - شهری در توسعه روستایی با تأکید بر شبکه‌های تولید شیر، مورد: ناحیه لیتکوه (آمل)، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی (به راهنمایی دکتر عباس سعیدی)؛
9. Douglass, Mike (1998), A Regional Network Strategy For Reciprocal Rural- Urban Linkages: An Agenda For Policy Research With Reference to Indonesia, Third World Planning Review, Vol 20, No 1;
10. Werlen, Benno (1993), Society, Action And Space: An Alternative Human Geography, Translated By Gayna Walls, London, Routledge.